

حضرت بهاءالله در لوح مقصود می فرمایند ، قوله تعالى :

" امروز انسان کسی است که به خدمت من علی الارض قیام نماید " .

عنوان: " عضو شریف جامعه ایران "

قسمت روحانی

۱. مناجات حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه
۲. دعای دسته جمعی " تعالی الکریم...العظیم " (۹ مرتبه)
۳. قسمتی از رساله مدنیّه
۴. مناجات حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه

قسمت اداری

۵. دستخط بیت العدل اعظم الهی
۶. فرد ، مُحییّ عالم انسانی
۷. شور و مشورت و پیشنهاد

قسمت اجتماعی

۸. برنامه نوگلان بوستان الهی
۹. الفت و پذیرائی
۱۰. مناجات خاتمه از آثار حضرت عبدالبهاء

با ابراز محبت و قدردانی از خدمات ارزنده آن عزیزان در اجرای مؤثر و جاذب برنامه های ضیافت نوزده روزه.

موضوع اختصاصی این برنامه " عضو شریف جامعه ایران " است که بنا بر هدایت بیت العدل اعظم الهی این مقامی است که باید احبای عزیز ایران بالمآل کسب نمایند . مسلماً مفهوم عضویت در جامعه از منظر بهائی تنها منحصر به قرار گرفتن در یک گروه و بر خورداری از منافع آن نبوده و نیست ؛ بلکه اعضای جامعه مثل اعضای هیکل انسانی دارای چنان ارتباط عمیقی هستند که جدائی و عدم تعامل آن ها قابل تصوّر نیست . عضویت در یک جامعه به معنای محبت و علاقه بی شائبه نسبت به سایر اعضاء ، حمایت و پشتیبانی از آنان ، همکاری و تعاون با یکدیگر و ... است .

با توجه به مندرجات قسمت روحانی مفهوم شرافت انسانی را می توان از خلال آثار مبارکه دریافت . مناجات حضرت عبدالبهاء که در قسمت آخر بخش روحانی تلاوت خواهد شد ، علاوه بر ایجاد انجذاب روحانی که از تلاوت ادعیه مبارکه حاصل می شود ، حاوی نکات ظریف و دقیقی درباره شرافت انسانی و نتایج حاصله از آن است . لذا مستدعی است توجه اعضای محترم ضیافت را قبل از شروع بخش روحانی به این مطلب معطوف فرمائید .

*در شروع بخش اداری متمنی است قسمتی از پیام ۲۶ نوامبر ۲۰۰۳ را که ذیلاً درج گردیده ، قرائت فرمائید:

"اگر چه شما حبیبان معنوی هنوز از آزادای محرومید ، اما در آستانه آنید که مقام و موقعیت خود را به عنوان عضو شریف جامعه ایران کسب نمائید " ...

همواره مؤید باشید

۱- مناجات حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه

هوالبهی

ای پروردگار به آنچه سزاوار است موفق کن . ای آمرزگار به آنچه لایق است مؤید فرما . این دستها به دامن عفو و پیوسته و این دلها به محبت مقید و بسته . عنایت کن ؛ موهبت بخش . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۴۳

۳- قسمتی از رساله مدینه

شرافت و مفخرت انسان در آن است که بین ملاء امکان منشأ خیری گردد . در عالم وجود آیا نعمتی اعظم از آن متصور است که انسان چون در خود نگرَد ، مشاهده کند که به توفیقات الهیه سبب آسایش و راحت و سعادت و منفعت هیأت بشریه است ؟ لا والله ؛ بلکه لذت و سعادتِ اتم و اکبر از این نه . تا به کی به پر نفس وهوی پرواز نمائیم و تا به کی در اسفل جهل به نکبت کبری چون امم متوحشه بسر بریم . پروردگار چشم عنایت فرموده که در آفاق بنگریم و آنچه وسیله تمدن و انسانیت است به آن تشبث نمائیم و گوش احسان شده تا کلمات حکمیه عَقْلا و دانایان را استماع نموده و پند گرفته ، کمر همت به اجرای مقتضیات آن بر بندیم . حواس و قوای باطنیه عطا گشته که در امور خیریه جمعیت بشریت صرف نمائیم و به عقل دوربین ، بین اجناس و انواع موجودات ، ممتاز شده ، دائماً مستمراً در امور کلیه و جزئیه و مهمه و عادیه مشغول گردیم تا جمیع در حصن حصین دانایی محفوظ و مصون باشیم و در کل احیان به جهت سعادت بشریه اساس جدیدی تأسیس و صنع بدیعی ایجاد و ترویج نمائیم و چقدر انسان شریف و عزیز است اگر به آنچه باید و شاید قیام نماید و چقدر رذیل و ذلیل است اگر از منفعت جمهور چشم پوشیده ، در فکر منافع ذاتیه و اغراض شخصیه خود عمر گرانمایه را بگذراند .

رساله مدینه صص ۳ و ۴

هو الله

ای پروردگار ، آن مشتاقان را تجلی عنایت فرما و ابواب موهبت بگشا . از هر آلودگی طیب و طاهر کن و از هر ناشایستگی آزادی بخش . قمیصشان چون پیرهن یوسف معطر کن و خُلق و خویشان را چون جیب نسیم صبا پر مشک و عنبر نما . به صفات رحمانیت متصف کن و به اخلاق روحانیان متخلّق ، تا آیات توحید گردند و بینات اشراق نور ربّ فرید . سبب عزّت امر تو گردند و علّت بزرگواری قدر خود شوند ، تا شدتشان به رخا مبدّل گردد و فقرشان به غنا ؛ عزّت ابدیه یابند و موهبت سرمدیه . مظاهر تقدیس گردند و مطالع تنزیه . از عالم نورانیت و روحانیت حکایت کنند تا ابواب از جمیع جهات بر وجوهشان گشوده گردد . انک انت القوی القدير . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۴۰۵ و ۴۰۶

۱۰- مناجات خاتمه از آثار حضرت عبدالبهاء

هو الله

ای پروردگار ، مرا بیدار کن ؛ هشیار نما ؛ از غیر خود بیزار کن و به محبت جمالت گرفتار نما . نفخه روح القدس بخش و ندای ملکوت ابهی بگوش رسان . قوت روحانی عطا کن و سراج رحمانی در زجاج قلب برافروز . از هر بندی آزاد کن و از هر تعلقی نجات ده ، تا جز رضای تو نطلبم و به غیر از روی تو نجویم و دون راه تو نپویم . نفوس غافله را هشیار کنم و ارواح خفته را بیدار نمایم ؛ تشنگان را آب حیات بخشم و مریضان را شفای الهی دهم . هر چند حقیرم ، ذلیل ، فقیرم ، اما پشت و پناهم توئی و معین و ظهیر هم توئی . تأییدی عنایت فرما که کلّ حیران گردند . خدایا توئی مقتدر و توانا و بخشنده و دهنده و بینا . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۶۰

۵- دستخط بیت العدل اعظم الهی

احتیاجات نوع بشر نه از طریق رقابت های بین المللی و نه از طریق اعتراضات علیه بی عدالتی های بی شماری که دنیای امروز را مستأصل کرده است، برآورده خواهد شد. یافتن راه حل اصلی برآوردن این نیازها منوط به حصول تغییری بنیادی در افکار و اذهان بشری و استقبالی صمیمانه از این پند و اندرز جمال مبارک است که می فرمایند وقت آن رسیده است که هر فرد انسانی در خود احساس مسئولیت برای رفاه و سعادت همه هم نوعان خود نماید. سعی و تأکید در داشتن این چنین دیدگاهی بی نظیر، به افراد احباء و تشکیلات امری توان دهی لازم را به طوری فزاینده عطا خواهد کرد که استعدادات اخلاقی و روحانی فطری لازمه برای تبدیل ارض به غیرها را تشخیص و پرورش دهند و نوع انسان را بیش از پیش متوجه طلوع یوم الله نمایند.

حق جل جلاله استعدادات مختلف در وجود هر فرد به ودیعه گذاشته است که به تناسب مساعی فردی و امکانات اجتماعی و اقتصادی موجود می تواند پرورش یافته، از قوه به فعل و عمل منتقل شود. بعضی از این استعدادها موجب پیشرفت فردی در مجهودات عملی و فکری مثل صنایع، هنر، علم، فعالیت های فرهنگی و غیره شده و برخی به مدد از نیروی خلاقه کلمه الله موجب بروز و رشد صفات روحانی همچون محبت، احترام، صداقت، تقوی، شجاعت، توکل، پشتکار و تحمل بلایا در راه وصول به اهداف عالی می گردد و ما را در استفاده صحیح از استعدادات فکری و عملی نیز یاری می دهد. مؤانست با آیات و الواح الهیه و استمرار در خدمت امرالله و تمرکز قوا در اهداف عالی موجب توسعه و رشد این استعدادها در راه صحیح شده و آن را از انحراف محفوظ و به هدف غائی خود که همانا خدمت به استقرار وحدت عالم انسانی است، رهنمون می سازد.

هدف فرد بهائی از به کار گرفتن این استعدادات نباید فقط تعالی و پیشرفت فردی باشد. فی الحقیقه تکامل نهائی این استعدادها وقتی میسر است که آن را برای غنی ساختن روابط بین خود و دیگر اعضای خانواده انسانی و همچنین جهت ترقی و تقلیب جامعه به کار گیریم. هدف از زندگی یک فرد بهائی تکامل روحانی فردی و موفقیت در

خدمت به نوع بشر و در تأسیس مدنیت الهی است . بنابراین از نظر یک شخص بهائی کافی نیست که انسان فقط سعی نماید تا فردی با اخلاق حسنه باشد در حالی که عالمی پر از سیئات مختلفه او را احاطه نموده است ؛ بلکه انسان باید خود را وسیله ای

برای ایجاد تغییر و تحوّل مثبت روحانی ، اجتماعی و اقتصادی در افراد و در جامعه ببیند و تلاش کند تا محیط خود را تحت تأثیر قرار داده و در راه بروز نیکی ، رفاه و سعادت بشر مثمر ثمر باشد . ما بهائیان موظّف هستیم که دائماً بکوشیم و بیاموزیم که چگونه به ایجاد این تغییر کمک نمائیم و چگونه در راه استقرار عدل و انصاف ، وحدت عالم انسانی و دیگر اصولی که از قلم جمال مبارک برای رفاه و آسایش بشر نازل شده قدمی برداریم . لازمه تمامی این جهد و کوشش ها پرورش استعداد های اخلاقی و روحانی و مهارت های مختلف است . ۲۱ آگست ۲۰۰۶

۶- فرد ، مُحییّ عالم انسانی

اگر چه تبلیغ برای احیای عالم انسانی اهمّیت تامّ دارد ، امّا فی نفسه تنها بخشی از فرایندی به مراتب بزرگتر است . حضرت بهاءالله توضیح می فرماید " آنچه را که مفتاح است از برای ابواب علوم و فنون و دانش و آسایش و ثروت و غنا " عنایت کرده اند . مُحییّ عالم انسانی وارد میادین مختلف خدمت می شود و با بیان بُعد جدیدی از واقعیت ، بر آگاهی فقیر و غنی ، مظلوم و ظالم ، بی سواد و دانشمند می افزاید ؛ به آنها کمک می کند که استعداد های مکنون خود را توسعه بخشند و آنها را قادر می سازد که نظم جدید اجتماعی را بنا کنند . به این ترتیب ، نوشتن مقالات و کتب سودمند که مسائل را روشن سازد و راه حل های بالقوه عرضه نماید ، وارد شدن در فعالیتهای توسعه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت در طرح هایی برای تأثیر گذاشتن بر رهبران اندیشه با مفاهیم بهائی ، جمیع آنها راه هایی برای احیاء عالم انسانی است . مشارکت در مساعی ارزشمند خارج از جامعه و القاء تعالیم حضرت بهاءالله در آنها نیز از همین شأن و مقام برخوردار است . بیت العدل اعظم می فرماید که احباء باید اطمینان داشته باشند " که این بنفسه و فی نفسه خدمتی عظیم به امر الهی است و نباید آنها فکر کنند که تنها در صورتی که خود را مستقیماً وقف طرح های امری نمایند به خدمت امر پرداخته اند " .

حضرت عبدالبهاء توصیه می فرماید : " باید دامن همّت به کمر غیرت زد و از هر جهت به اسباب آسایش و راحت و سعادت و معارف و تمدّن و صنایع و عزّت و شرف و علوّ منزلت جمعیت بشریّه تشبّث نمود تا از زلال نیّت خالصه و سلسال جهد و کوشش ، اراضی قابلیت انسانیّه به ریاحین فضائل ذاتیّه و شقائق حقائق خصائل حمیده سرسبز و خرّم گشته ... " بنابراین واضح است که هر قدر فرد به شرافت و بزرگ منشی نائل گردد ، هر قدر دستاوردهای او عالی باشند ، هر قدر توانمندی او در انظار اهل عالم بالا باشد ، تعهّد نسبت به احیاء اهل عالم همچنان وظیفه ای اساسی باقی می ماند ؛ زیرا رستگاری شخصی تنها هدف ظهور حضرت بهاءالله نیست :

" انّه (حضرت مسیح) قال تعالیا لأجعلکم صیادی الانسان و آلیوم نقولُ تعالوا لنجعلکم مُحیی العالم " .

مدارج عالیّه ای که روح انسان می تواند به آن صعود نماید به نحوی تفکیک ناپذیر به محیط اجتماعی پیوند خورده است. وقتی نظام اجتماعی به کثیری از نفوس ظلم می کند ، عادل بودن شخصی منفرد به چه معنی است ؟ وقتی که یک

سوم از نوع انسان با حقوقی بخور و نمیر زندگی می کنند ، آیا سعادت مادی می تواند مظهری از موفقیت باشد ؟ وقتی که نفس ساختار جامعه حقارت و پست بودن قربانیان نژادپرستی را اعلام و آن را تضمین می کند ، رهایی یک نفر از شرّ تعصّبات چه سودی برای آنها دارد ؟ حضرت ولی امرالله توضیح می فرمایند که " اگر بخواهیم نجات و فلاح بشر تأمین گردد ، حیات باطنی انسان و نیز محیط زیست ظاهری اش باید متحوّل گردد " .

...با این دیدگاه ، اهداف زندگی که در آثار مبارکه بهائی توصیف شده - عرفان و عبادت الهی ، اُتصاف به صفات و سجایا و اصلاح عالم - به عنوان بخش هایی از یک کلّ به هم پیوسته قابل مشاهده است . محیی عالم انسانی عبارت از مبلّغی و سازنده جامعه ای است که بلا وقفه در جهت بیدار کردن دیگران و متحوّل ساختن نظام اجتماعی فعالیت می کند .

خلق تفکری جدید صص ۴۳ - ۴۲